

روزنامه وزین آفتاب یزد

با اهداء سلام - احتراماً در تاریخ ۱۳۹۴/۸/۲۱، مقاله‌ای با تیتیر «آیا جنگلهای شمال ایران نیاز به استراحت دارد؟» در شماره ۴۴۷۵ آن روزنامه به چاپ رسیده و طی آن آقای دکتر محمدرضا مروی مهاجر استاد بازنشسته گروه جنگلداری دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران به تبیین دیدگاههای خود در طرح «استراحت جنگل» پرداخته است.

نظر به اینکه برخی موضوعات مطروحه و خصوصاً توجیه تلویحی این طرح مورد قبول و تایید جامعه علمی و متخصصین امر جنگلداری نبوده و متخصصان سازمان جنگلها و مراتع کشور نیز صراحتاً تنفس جنگل را مغایر با علم جنگلداری دانسته‌اند از اینرو در دفاع از موضع صحیح و اصولی مدیریت پایدار جنگلهای شمالی کشور، نسبت به تنظیم و ارائه مقاله حاضر در پاسخگویی به مطالب مطروحه در شماره مزبور اقدام می‌نماید.

استدعا دارد مقرر فرمائید نسبت به چاپ مقاله اقدام فرمایند.

عبدالعظیم آقاجانی چوبری
 عضو کانون هماهنگی دانش، صنعت و بازار
 و عضو کمیسیون ملی صنوبر
 و دبیر انجمن کارفرمایان صنایع چوب ایران



استراحت جنگل به معنای حذف عامل مدیریت و تشدید تخریب جنگل

کشور ایران دارای ۱۴/۲ میلیون هکتار جنگل است که مقدار ۱/۹ میلیون هکتار آن را جنگلهای شمالی واقع در کرانه‌های دریای مازندران تشکیل می‌دهد. برای حدود ۱/۴ میلیون هکتار جنگلهای شمالی کشور، طرحهای جنگلداری تهیه گردیده و ۱/۰۷ میلیون هکتار از این جنگلها نیز در چارچوب طرحهای جنگلداری، به صورت علمی و تخصصی اداره می‌شوند که بخش اعظم آنها توسط سه شرکت بزرگ دولتی شفاورد، چوب فریم و نکاچوب و همچنین شرکت چوب و کاغذ مازندران که بخش اعظم سهام آن متعلق به سازمان تامین اجتماعی است به نحو مؤثر مدیریت شده و بخش دیگری از جنگلها نیز با نظارت سازمان جنگلها و مراتع توسط ۵۲ طرح کوچک جنگلداری اداره می‌گردد.

تجربه نشان داده است که در هر جا که جنگل توسط صنعت و یا مجریان طرحهای جنگلداری اداره شده، امکان تجاوز به عرصه جنگل و تخریب جنگل و قاچاق چوب، شدیداً کاهش یافته و متوقف شده است، زیرا جنگل همواره تحت نظارت و مدیریت مجریان طرحهای جنگلداری قرار داشته و مجریان مزبور به منظور جلوگیری از وقوع جرم در این حوزه و جلوگیری از پرداخت جرائم سنگین ناگزیرند با استفاده از عوامل محلی خود از تخریب، قطع غیر مجاز درخت و قاچاق چوب، جلوگیری نمایند و بالعکس در هر جا که طرحهای جنگلداری به مرحله اجرا در نیامده و یا جنگل، حفاظتی اعلام گردیده شاهد تجاوزات مکرر اهالی روستاهای اطراف جنگل و تخریب و تبدیل آن به زمینهای کشاورزی و تغییر کاربری جنگل و تصرفات عدوانی عرصه‌ها بوده‌ایم. مطالعات میدانی و تشکیل کارگروههایی جهت بررسی تاثیر اجرای طرحهای جنگلداری صنعتی بر حفظ و توسعه جنگل و مقایسه آن با جنگلهای فاقد طرح و یا حفاظتی اعلام شده مثبت این ادعاست که جنگل را نمی‌توان با تیر و تفنگ اداره کرد، بلکه جنگل باید مدیریت شده و همواره تحت نظارت و بررسی دقیق مسئولین قرار گیرد. حفاظتی اعلام کردن جنگل تحت عنوان «استراحت جنگل» و تعطیلی بهره‌برداری از جنگل و خارج نمودن مجریان طرحهای جنگلداری به معنای رهاسازی و مدیریت نکردن جنگل است که در هیچ کجا چنین الگویی وجود ندارد.

در کشور ما سابقه اجرای طرحهای جنگلداری به حدود پنجاه سال می‌رسد و ما در این مدت شاهد رشد و توسعه و بهبود مستمر جنگل در عرصه‌های اجرای طرحها بوده‌ایم. جنگلهای زیبای منطقه ناو اسالم در تالش نمونه بارز این قبیل از جنگلهاست که سابقه اجرای طرح جنگلداری را با بیش از ۴۲ سال دارد.

متأسفانه موضوع استراحت جنگل و توقف بهره‌برداری که فاقد هرگونه اساس علمی و فنی است از سوی صاحب نظران و متخصصین جنگلداری بیشتر یک پز اجتماعی، سیاسی تلقی می‌گردد که دولتمردان را در نزد افکار عمومی وجیه‌المله و طرفدار محیط زیست معرفی می‌نماید و از سوی دیگر طرفی نیز برای پیشنهاددهندگان بسته می‌شود و ممکن است حوزه نفوذ و اقتدار سیاسی و اداری آنان افزایش یابد. در حالیکه با حفاظتی شدن و تعطیلی بهره‌برداری، افول و اضمحلال

جنگلهای شمالی شروع خواهد شد زیرا جنگل، دلسوز و صاحب خود را که مجریان طرحهای جنگلداری هستند از دست خواهد داد و حفظ و نگهداری جنگل با بودجههای ناچیزی که به آن تخصیص داده می شود به تعداد خیلی از نیروهای نظامی و انتظامی تحت عنوان گارد جنگل سپرده خواهد شد. نیروهائی که حتی اگر دهباب نیز باشند باز هم امکان نظارت کامل و سلطه بر جنگل را چون مالک، ذینفع و متخصص نخواهند داشت. نیروهائی که متشکل از تعدادی افسر ثابت گارد جنگل و تعدادی سرباز وظیفه که اکثریت آنان مترصد رهائی از خدمت، بدون آشنائی و شناخت جنگل و گونه های درختان و ارزش اکولوژیک جنگل و ... می باشند.

در بهره برداری صنعتی موضوع بقا و بهره برداری پایدار و با برنامه که موجب رشد و توسعه جنگل گردد اولویت محسوب می گردد. در حالیکه به نظر می رسد طرح استراحت جنگل که نوعی رهاسازی است یک تفریط بزرگ و یک راحت طلبی مغرط برای مدیریت نکردن است.

در حال حاضر جنگلهای شمالی کشور دارای میانگین رشدی معادل ۳ مترمکعب تولید چوب در هکتار هستند. به عبارت دیگر میزان تولید سالیانه چوب در جنگلهای شمالی حدود شش میلیون مترمکعب در سال است. از این میزان تولید چوب سالیانه حدود ۶۰۰'۰۰۰ مترمکعب یعنی حدود ۱۰٪ رشد سالیانه مورد بهره برداری صنعتی قرار می گیرد. بنابراین میانگین میزان برداشت چوب در هر هکتار کمتر از ۳/۰ مترمکعب است و این در حالیست که میزان درختان با دانداخته، ریشه کن شده، شکسته و آفت زده و خشکیده بیش از این مقدار است و این چوبها ثروت عمومی محسوب می شوند که بایستی از جنگل خارج شده و مورد استفاده صنعتی قرار گرفته ایجاد شغل و ارزش افزوده نمایند. بخشی از ۶۰۰'۰۰۰ مترمکعب برداشت چوب نیز در نتیجه اجرای طرحهای پرورش و اصلاح جنگل که ضرورت اجرائی دارد واقع می گردد، بنابراین بهره برداری علمی، فنی و صنعتی نه تنها به ضرر جنگل نیست بلکه موجب بقا و رشد و توسعه بیشتر جنگل می شود. در حالیکه باقیماندن چوب در جنگل موجب بروز قارچ و گسترش حشرات چوبخوار و آفات نباتی می گردد.

در کشور ما سالیانه بیش از دو میلیون مترمکعب چوب به صورت نامحسوس از سوی جنگل نشینان و روستاهای اطراف جنگل برداشت می شود (که غیر قانونی است) و کسی به آن اعتراض نمی کند ولی برداشت حدود یک چهارم این مقدار که همراه با بهره برداری علمی و فنی و مفید به حال جنگل است مورد اعتراض قرار گرفته می شود.

کسانیکه دم از استراحت جنگل می زنند عمدتاً پشت میز نشین های راحت طلبی هستند که یا تا کنون از طرحهای اصلاح جنگل بازدید نداشته اند و یا دنبال توسعه قلمرو مدیریت تفریط مآبانه خویشند و گرنه کارشناسان و متخصصینی که درگیر اجرای طرحهای جنگلداری و اصلاح جنگل بوده اند به نتیجه اقدامات خود افتخار می نمایند. امروزه نمونه ای از اجرای این قبیل طرحهای جنگلداری که اینجانب نیز در بخشی از اجرای آن مشارکت داشته ام را در حوزه جنگلهای عباس آباد بهشهر می توان مشاهده نمود و به آن مباحثات نمود که چگونه جنگلی مخروبه با اجرای صحیح طرح جنگلداری به جنگلی سرسبز و خرم با درختانی سربه فلک کشیده و انبوه زینت بخش منطقه گردیده و امروزه موجد درآمدهای اکوتوریسم گردیده است.

شایسته ذکر است که موضوع استراحت جنگل و توقف بهره برداری علمی، فنی و صنعتی یکبار دیگر در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ از سوی سازمان حفاظت محیط زیست پیشنهاد و تحت پیگیری قرار گرفت که متعاقباً دومین اجلاس بین المللی جنگل و صنعت طی سه روز ۱۵ تا ۱۷ آبانماه ۱۳۸۰ تشکیل و بعد از بررسی های علمی، فنی و تخصصی از سوی صاحب نظران و اساتید دانشگاه و صاحب نظران بین المللی جنگل با صدور قطعنامه اجلاس مزبور، خط بطلانی بر نظریه استراحت جنگل کشیده شده و همه





متخصصین اعم از مسئولین سازمان حفاظت محیط زیست ، سازمان جنگلها و مراتع ، اساتید دانشگاهها و صاحبانظران بین المللی بر تهیه و اجرای طرحهای جنگلداری و اداره مؤثر جنگلها مطابق با مفاد طرحهای مصوب تاکید نموده اند .
در خاتمه باید اذعان نمود که پیامدهای مثبت اقتصادی ناشی از مدیریت علمی در جنگلداری منجر به حفاظت و حراست ، ارتقاء کمی و کیفی رویشگاههای جنگلی و احیاء و بازسازی بیش از ۳۵۰'۰۰۰ هکتار جنگلهای مخروبه ، ایجاد ۷'۰۰۰ کیلومتر راههای ارتباطی ، اشتغالزائی مستقیم ۵۰'۰۰۰ نفر در طرحها و واحدهای بزرگ صنایع چوبی و اشتغالزائی حدود ۵۰'۰۰۰ نفر به طور غیر مستقیم در صنایع پائین دست و کارگاههای کوچکتر شده است . ضمن آنکه در کلیه قوانین و مقررات موضوعه ، نظیر قوانین سازمان جنگلها و مراتع کشور و قانون صیانت از جنگلهای شمال کشور و قانون برنامه های سوم و چهارم و پنجم توسعه اقتصادی کشور ، بهره برداری از جنگل بر اساس توان اکولوژیک و ضروریات حفظ جنگل تجویز گردیده و مسلما هرگونه بهره برداری با اولویت امر حفاظت ، منحصرأ محدود به جنگلهای با پتانسیل تولید و برداشت چوب و فاقد محدودیتهای اکولوژیکی است .

عبدالعظیم آقاجانی چوبری
عضو کانون هماهنگی دانش ، صنعت و بازار
و عضو کمیسیون ملی صنوبر
و دبیر انجمن کارفرمایان صنایع چوب ایران

